

چرا بشار اسد خط قرمز ایران شد؟

به چند خبر هفته ی اول بهمن بنگرید:

الف- علی اکبر ولایتی- مشاور بین الملل آیت الله خامنه ای- در 91/10/30 [گفت](#):

"بشار اسد خط قرمز ماست و تا آخر از وی حمایت می‌کنیم ولی این به معنی نادیده گرفتن حق مردم در تعیین سرنوشت نیست".

ب- در 91/11/2 [اعلان شد](#) که "بانک توسعه صادرات یک میلیارد دلار اعتبار در اختیار دولت سوریه قرار داده است. سپس نخست وزیر سوریه جزئیات این اعتبار یک میلیارد دلاری را [اعلام کرد](#)."

پ- علی اکبر ولایتی در 91/11/7 [گفت](#):

"دول غربی برای مقابله ی با جمهوری اسلامی ایران و متحدانش، قصد فشار به سوریه را دارند و بر همین اساس ایران از دولت و مردم سوریه حمایت می کند".

ت- سردار احمد وحیدی- وزیر دفاع جمهوری اسلامی- در 91/11/7 [گفت](#):

"ایران همواره یک منطق روشن در قضیه سوریه داشته است و نباید کشوری که در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی قرار دارد، ارتش آن تضعیف شود".

این مواضع و سیاست های علنی پیامد کدام تحولات است؟

یکم- مخالفان اسلام گرا: گروه های اسلام گرا در میان کسانی که در سوریه در حال جنگ با رژیم سکولار اسد هستند، دست بالا را دارند. آنها یک طیف را تشکیل می دهند که یک سر آن اخوان المسلمین است و سر دیگرش القاعده قرار دارد. روشن است که دولت های غربی به رهبری دولت آمریکا نمی خواهند که آنان جایگزین رژیم سکولار اسد شوند. منابع مالی و تسلیحاتی این گروه ها توسط دولت های عربستان سعودی، قطر و ترکیه تأمین می شود. مصر نیز که مهد اخوان المسلمین است، مرکز معنوی اخوان المسلمین منطقه است. نزاع اخوانی ها و سکولارها در مصر نشان دهنده ی این است که سکولارها و ملی گرایان حاضر به پذیرش اخوانی ها و سلفی ها نیستند. اگر این حکم صادق باشد، در سوریه وضع بسیار وخیم تر از مصر است که قوی ترین نیروهای مخالف اسلام گرایان هستند.

گروه جبهة النصره در 91/9/21 از سوی دولت آمریکا به عنوان گروه تروریستی وابسته ی به القاعده اعلام شد. بر اساس آخرین [گزارش "بنیاد کیلیام"](#) که در باره تروریسم تحقیق می‌کند، "جبهه نصرت" هم‌اکنون مهم‌ترین گروه شورشیان سوری است... از فعال‌ترین گروه‌های شورشیان است، به‌طوری که ۶۰۰ حمله و سوءقصد به رژیم اسد را باید به حساب این گروه گذاشت، از جمله سوءقصد ژوئیه ۲۰۱۲ را که طی آن نیمی از اعضای شورای امنیت رژیم اسد کشته شدند. این گروه در شمال سوریه حضوری

محسوس و گسترده دارد. یکی از فرماندهان این گروه-ابولقمان- به خبرنگار بی بی سی [گفته است](#) که ما به دنبال دموکراسی نیستیم: "به نام خدا. الحمدلله و سلام الله علی محمد. مردم سوریه ماهیتا مذهبی هستند. آنها اسلام را دوست دارند. مردم در این کشور از حکومت‌های سوسیالیستی و سکولار به ستوه آمده اند. آنها همگی منتظر روی کار آمدن یک **حکومت اسلامی** هستند. هیچ نوع حکومت دیگری نمی‌تواند در سوریه بر سر کار بیاید".

دیوید کامرون - نخست وزیر انگلستان- در 91/9/27 در مجلس عوام کشورش از حضور نیروهای القاعده در سوریه [خبر داد](#) و گفت این احتمال وجود دارد که کمک‌های نظامی کشورهای غربی به گروه‌های مسلح در سوریه، به دست جنگجویان القاعده بیفتند.

در 91/10/5 ، رانیا ابوزید- خبرنگار تایم در سوریه- گفت و گویی بلند با رهبر گروه جبهة النصره در ناحیه ی حلب انجام داد و در تایم [منتشر کرد](#). در بخشی از آن آمده است: جبهة النصره اعلام کرده که قصد دارد حکومتی اسلامی در حلب برقرار کند. ابوعدنان می‌گوید که گروهش به مبارزه برای نیل به این هدف ادامه خواهد داد: "آن‌هایی که خارج از سوریه‌اند خیال می‌کنند اگر الان دم از **حکومت اسلامی** بزنیم با آمریکا و اروپا در افتاده‌ایم. اما مگر اینها در یک سال و نه ماه گذشته کاری کرده‌اند که ما به حرفشان اهمیت دهیم؟ چرا غرب در یک سال و نه ماه پیش هیچ کمکی به انقلاب نکرده است". ابوعدنان از چندین ویدیو از این گروه که اخیراً منتشر شده، از جمله یک فیلم که در آن یکی از اعضای این گروه در حال شلیک به وفاداران بی‌سلاح رژیم اسد را نشان می‌دهد دفاع می‌کند و می‌گوید: "ما آنها را دستگیر کردیم به صف کردیم و کشتیم. آن‌ها سربازانی بودند که با ما می‌جنگیدند. آنوقت این را تروریسم می‌خوانند، مثل این که یادتان رفته مجموعه‌ی یک حکومت چهل سالست که مردم را ترور می‌کند".

به گزارش [خبرگزاری فرانسه](#) در 91/10/28، دوتن از رهبران القاعده، از جمله محمد یاسین جراد- برادر زن ابو مصعب الزرقاوی- رهبر القاعده عراق در درگیری‌های سوریه کشته شدند. این دو با "جبهة النصره" همکاری می‌کردند. [وزیر خارجه ی فرانسه](#) در 91/11/9 نسبت به رشد "اسلام گرایان افراطی" در سوریه به اپوزیسیون آن کشور هشدار داد.

دوم- مخالفان جنایتکار: رژیم بعثی سکولار حافظ و بشار اسد یکی از سفاک‌ترین رژیم‌ها در سرکوب مخالفان بوده است. اما گزارش‌های نهادهای حقوق بشری در خصوص ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توسط مخالفان نیز نشان داده که آنان هم به هیچ وجه دل در گروه دموکراسی و حقوق بشر نداشته و به دنبال تأسیس حکومت اسلامی در سوریه هستند. آیا دفاع از هیچ یک از طرفین این نزاع اخلاقاً موجه است؟

به [گزارش یل وود](#)- گزارش گر بی بی سی در حلب- مردم آن منطقه: "معتقدند که دلیل کمبود نان این است که ارتش آزاد سوریه آرد را می‌دزدد تا در جاهای دیگر به‌فروش برساند. یک افسر ارتش آزاد هم این قضیه را تأیید می‌کرد. او معتقد بود این کار هم بعضاً بطور خودسرانه انجام می‌شود، و هم در بعضی موارد فرماندهان برای تأمین هزینه عملیات‌ها دستور انجام آن را می‌دهند. او با حالتی متأسف اضافه کرد:

"حتی در تیپ ما هم این کار انجام می‌شود. ما همگی دزد هستیم." البته این را به شوخی می‌گفت، و بعد از این حرف همقطارانش قهقهه خنده سر دادند. اما رگه‌ای از جدی بودن هم در حرف‌هایش بود... افسری که با من صحبت می‌کرد، گفت که همه تیپ‌های ارتش آزاد سوریه یکدیگر را به غارت اموال متهم می‌کنند، و هیچ کدام به یکدیگر اعتماد ندارند... داستان‌های زیادی از دستگیری افراد، یا به بیان درست‌تر آدم‌ربایی، به بهانه ارتباط با رژیم شنیده می‌شود. معمولاً برای آزادی دستگیرشدگان پول طلب می‌شود. اگر هم کسی اعتراض کند، ممکن است با اتهام مرگبار عضویت در سازمان شبه‌نظامی بی‌رحم حکومت، موسوم به شبیحه، روبرو شود".

در 91/10/28 بی بی سی به نقل از خبرنگار خود از شهر حلب گزارش کرد:

"نیروهای ارتش آزاد سوریه به طور فزاینده‌ای در سرقت، غارت و آدم‌ربایی با هدف باج‌خواهی شرکت دارند. این رفتارها باعث شده تا مردم حلب از این گروه روی‌گردان شده و بیشتر به جبهه نصرت، گروه اسلامگرا متمایل شوند. این گروه یک گروه مسلح با ایدئولوژی جهادی است و آمریکا نام آن را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است. جبهه نصرت در شهر حلب دادگاه شریعت اسلامی تشکیل داده و یکی از فرماندهان بلندپایه این گروه به بی بی سی گفته است که تنها نتیجه ممکن از قیام مردم سوریه علیه دولت بشار اسد این است که سوریه دارای یک حکومت اسلامی شود".

سوم- کلنگی کردن خاورمیانه و آفریقا: داستانی که با اعزام نیروهای جهادی به افغانستان برای جنگ با کمونیست‌های روسی آغاز شد و محصولاتی چون القاعده و طالبان پدید آورد، با حمله‌ی به عراق به رشد بیشتر نیروی‌های سلفی و القاعده انجامید. تهاجم نظامی به لیبی و سرنگونی قذافی موجب شد که گروه‌های افریقایی اسلام‌گرا- خصوصاً در مالی- به تسلیحات نظامی قابل توجهی دست یابند. به گفته‌ی هیلاری کلینتون در سینا، سلاح‌های لیبی به مالی برده شد.

بروس ریدل- پژوهشگر ارشد مؤسسه‌ی بروکینگز- در مقاله‌ای در المانیتور نوشته است: پس از نسل اول (در دهه‌ی 90) و دوم (پس از 11 سپتامبر) القاعده، اینک شاهد ظهور نسل سوم آنها (پس از کشته شدن بن لادن) هستیم:

"سریع‌ترین رشد این القاعده‌ی جدید، در سوریه صورت گرفته است. القاعده در پوشش نام "جبهه النصره" اکنون به کشنده‌ترین عنصر حاضر در میان مخالفان دولت بشار اسد تبدیل شده است. برای القاعده، اسد و علویان هدف مناسبی هستند، زیرا شماری از گروه‌های اهل سنت، علویان را فرقه‌ای انحرافی از اسلامی می‌دانند که باید سرکوب شود. هرچند القاعده تنها یکی از بخش‌های گروه‌های مخالف سوری است، توانایی‌هایش در ساخت بمب و حملات انتحاری منحصر به فرد است؛ این گروه روز به روز قوی‌تر و مسلح‌تر می‌شود. اکنون وب‌سایت‌های وابسته به گروه‌های جهادی هر روزه گزارش می‌دهند که افراد وابسته به القاعده از عربستان سعودی، فلسطین و مصر، در نبردهای حلب و دمشق کشته یا به زعم خودشان "شهید" شده‌اند... این گروه به خوبی مسلح است، از پایگاه‌هایی در عراق برای پشتیبانی استفاده می‌کند و از سلاح‌هایی که قطر و عربستان سعودی برای گروه‌های مخالف می‌

فرستند نیز بهره می برد... **القاعده اکنون در سطح عملیاتی در جهان عرب، از همیشه قدرتمند تر است...** ظواهری پیاپی بیانیه هایی صادر می کند و از پیروانش می خواهد، برای مبارزه به سوریه یا مالی بروند. بیشتر فرمان های او پذیرفته می شوند".

چهارم- حکومت اسد پایدار است: پس از 22 ماه درگیری سوریه، مجموعه اطلاعات زمامداران جمهوری اسلامی آنان را به این نتیجه رسانده که بدون تهاجم نظامی دولت های غربی، مخالفان قادر به سرنگونی رژیم اسد نیستند. به همین دلیل، اسد را خط قرمز ایران اعلام کرده اند. به چند شاهد زیر که به جمهوری اسلامی تعلق ندارد، بنگرید:

الف- فردریک سی هاف- نویسنده ی "شورای آتلانتیک"، مشاور ویژه اوباما درباره انتقال قدرت در سوریه و معاون جورج مارشال فرستاده ی ویژه ی وزارت خارجه آمریکا برای صلح در خاورمیانه- در مقاله ای در 91/10/1 **نوشته است:** میلیون ها سوری همچنان حضور رژیم اسد را تحمل می کنند... با این حال، این دو قشر می ترسند آنچه پس از اسد می آید از حکومت وی بدتر باشد. مخالفان مسلح تا کنون در اغلب موارد به خشونت طلبی های حکومت پاسخی مشابه نداده اند؛ اما با فعالیت القاعده ی عراق در سوریه در قالب جبهه نصرت، آیا می توان گفت این دسته از مردم سوریه بی جهت نگران هستند؟... اگرچه مخالفان سوریه اکنون نمی فهمند که جبهه نصرت چه خطری برای سوریه دارد؛ اما پس از سقوط حکومت کنونی به این خطر پی خواهند برد. پس از برکناری اسد، عوامل القاعده که در سازمان جبهه نصرت حضور دارند، به سادگی حاضر خواهند بود صحنه سیاسی سوریه را ترک کنند؛ بلکه به دنبال باقی ماندن در قدرت و اجرای اهداف خونین خود خواهند بود.

ب- پاتریک کاک برن- خبرنگار ایندپندنت در 91/10/10 در گزارشی از داخل سوریه **نوشته است** که وضعیت این کشور با آنچه رسانه ها گزارش می کنند تفاوت دارد:

"در حقیقت بیرون از سوریه مدام صحبت ها و پیش بینی های رسانه ها و دیپلمات ها را می شنویم که از پیروزی قریب الوقوع مخالفان مسلح و شکست نظام بشار اسد می گویند. اما آنچه که در این اظهارات نادیده گرفته شده، این نکته مهم است که نیروهای اسد همچنان تمام یا بخش های بزرگی از تمام شهرها و مناطق مهم سوریه را تحت کنترل دارند".

او توضیح می دهد که نزاع سوریه به جنگ قومی و مذهبی تبدیل شده و در حال حاضر، 15 درصد با دولتند، 15 درصد با مخالفان و 70 درصد می خواهند فقط این جنگ پیش از آن که همه را از بین ببرد، تمام شود. واشنگتن و لندن امیدوار بودند که نظام سوریه از درون از هم بپاشد، اما این هم رخ نداده و حتی جدا شدن برخی از شخصیت های مشهور نتوانسته به مرکز نظام سوریه برسد. اکنون شدت درگیری ها بسیار شدیدتر و خشونت بارتر شده است. این جنگ مدت ها است که به وضعیتی رسیده که ما در ایرلند شمالی به آن "سیاست با اوج بیرحمی" می گفتیم. در این حالت خون های زیادی ریخته می شود تا امکان مذاکره و امتیازدهی فراهم شود... اکنون سوریه هم نظیر عراق پس از سال 2003، به محلی برای جذب نیروهای

تندرو جهادی تبدیل شده است. واشنگتن هم هر روز اشتیاق کمتری نسبت به پیروزی نظامی مخالفان و تقویت نیروهای تندرو و از میان رفتن ساختار دولت در سوریه از خود نشان می‌دهد".

پ- آمریکا و دولت های غربی نمی دانند که پیامدهای دخالت نظامی به سود **منافع ملی** آنان است یا به زیانشان؟ او باما در مصاحبه ی با هفته نامه ی **نیوربیالیک** درباره ی سوریه گفته است:

"آنچه که من به واقع با آن درگیر هستم این موضوع است که ایالات متحده چگونه می تواند در این امور دخالت کرده تا **منافع ملی** و امنیت خود را افزایش داده و در مورد ایده آل های خود و اصول مشترک انسانیت سخن بگوید... در مورد موضوعاتی همچون سوریه، من از خود سوال می کنم که آیا می توانیم تغییری در این وضعیت بدهیم؟ آیا مداخله ی نظامی در سوریه نتیجه ای دربر خواهد داشت؟ آیا مداخله ی ما در سوریه در میزان حمایت ما از نیروهای حاضر در افغانستان تأثیری خواهد داشت؟ پیامدهای مداخله ی نظامی در سوریه چه خواهد بود؟ آیا مداخله در سوریه موجب بدتر شدن اوضاع و یا حتی استفاده ی از سلاح های شیمیایی نمی شود؟ بهترین وضعیتی که می توان برای سوریه بعد از اسد متصور شد چیست؟ این پرسش ها سوالات ساده ای نیستند و باید آنها را به بهترین نحو ممکن ارزیابی کنید".

پنجم- اسد می رود: آدمیان معمولاً شواهد و قرائن به سود خود را می بینند و بدانها استناد می کنند. بسیاری از تحلیل گران و دولت ها بر این باورند که دیر یا زود رژیم اسد سقوط خواهد کرد. به عنوان نمونه، دیمیتری مدودف- نخست وزیر روسیه- به سی ان ان **گفته است** که "با گذشت هر روز، هر هفته و هر ماه امکان بقای او [اسد] کمتر می شود، اما تصمیم را باید مردم سوریه بگیرند؛ نه روسیه، نه آمریکا و هیچ کشور دیگر". اما زمامداران جمهوری اسلامی **نمی خواهند** این گونه شواهد و قرائن را ببینند.

ششم- سوریه و مردم اش: رژیم سکولار سوریه یکی از سفاک ترین رژیم های جنایتکار است. حمایت از این رژیم اخلاقاً ناموجه است. جنگ 23 ماهه ی رژیم اسد و مخالفانش تاکنون 60 هزار کشته، ده ها هزار زخمی و میلیون ها آواره بر جای نهاده است. سوریه به ویرانه ای تبدیل شده که شاید دیگر نتواند به عنوان یک کشور واحد به بقای خود ادامه دهد.

اما دموکراسی و حقوق بشر موضوع روابط بین الملل نیست. دولت ها در سطح جهانی به دنبال "**منافع ملی**" خویش اند. منافع ملی متعارض کشورهای منطقه و قدرت های جهانی، سوریه و مردم بی گناه اش را نابود کرده است. دست همه ی دولت ها خونین است. همه- از جمله خامنه ای- در این جنایت عظیم سهم هستند.

پیامدهای کلنگی کردن سوریه در نهایت گریبان گیر همه خواهد شد. در شرایط جنگ داخلی، خشونت طلبان، کلاه برداران، دزدها، آدم رباها و رذل ترین آدم ها رشد خواهند کرد و قدرتمند خواهند شد. در شرایط جنگی، اپوزیسیون مسالمت جوی دموکراسی خواه- با سال ها سابقه ی زندان و مبارزه- کاملاً به حاشیه رانده شده است. محاسبه ی پیامدهای ناخواسته ی رفتارها و سیاست ها، وظیفه ی زمامداران سیاسی است. اگر واقعاً مخالف رشد و قدرت گرفتن طالبان، القاعده، سلفی ها و... هستند؛ چرا سیاست هایی

اتخاذ می کنند که به رشد آنها منتهی می شود؟ چرا مهمترین متحدانشان تأمین کننده منابع مالی و تسلیحاتی این گروه ها هستند؟

منبع: بی بی سی، 91/11/17